



بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران

زینت مهتری

چکیده

در سال‌های اخیر، طی تحولات ناشی از مدرنیته، در سبک زندگی، تغییراتی بوجود آمده است که یکی از پیامدهای این دگرگونی، افزایش رو به رشد سن ازدواج جوانان، به خصوص دختران است. موضوعی که به تدریج، ذهن‌ها را به خود مشغول کرده، خانواده و مسئولان را به چاره‌اندیشی واداشته است. جهت پاسخ به این سوال که علت بالا رفتن سن ازدواج دختران چیست؟ پس از شناسایی علل و عوامل تاثیر گذار بر افزایش سن ازدواج دختران، بر اساس روش تحلیل محتوا، چنین نتیجه‌ای حاصل شد که: بین بالا رفتن سن ازدواج و عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و به نظر می‌رسد که عدم آموزش و فرهنگ سازی، از مهم ترین این عوامل هست؛ که نیازمند اقدامی اساسی، همگانی، اصولی و آگاهانه است.

کلید واژه‌ها: ازدواج، سن ازدواج، افزایش سن ازدواج، دختران

مقدمه

ازدواج هسته اولیه ایجاد خانواده و خانواده نیز به نوبه خود شکل دهنده جامعه است. شاید در ابتدا ازدواج، امری شخصی و خصوصی تلقی شود؛ اما تاثیر آن بر روابط افراد و روابط آنها با جامعه بر کسی پوشیده نیست. با اذعان به این موضوع که، دختر جزیی از خانواده، جامعه و جهان خلقت است که تحت تاثیر یکدیگرند؛ مساله بالا رفتن سن ازدواج ایشان نیز، به خاطر در هم تنیدگی علل، ناشی از عوامل متفاوت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و قانونی و خود نیز علتی برای مشکلات دیگر هست.

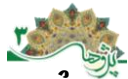
مطالعه پیشینه موضوع مورد بحث، بیانگر این واقعیت است که سخن پیرامون «علل و عوامل افزایش سن ازدواج دختران» بسیار است. نتایج تحقیقات انجام یافته بدین شرح هستند:

۱- بین تأخیر در ازدواج با گرایش به رفتارهای فردگرایانه و جنسیت، رابطه معنی داری وجود دارد. (فرهمند بیگی، ۱۳۸۷).

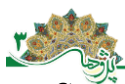
۲- بین متغیرهای ادامه تحصیل، بالا بودن انتظارات، نداشتن شغل مناسب، فقر خانواده، موقعیت اجتماعی خانواده و وضع ظاهری، با تأخیر در سن ازدواج جوانان رابطه معناداری وجود دارد. (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷).

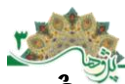
۳- رابطه معنی داری میان وضعیت شغلی، میزان تحصیلات، وضعیت مسکن جوانان و میزان درآمد خانواده با تأخیر در سن ازدواج جوانان می باشد. (حسین زاده، ۱۳۸۷).

۴- بین تحصیلات عالی، استقلال طلبی، فشار اجتماعی، روش انتخاب همسر و تأخیر در سن ازدواج دختران، رابطه معنی داری وجود دارد. (شهروزی، ۱۳۸۶).



- ۵- میزان تحصیلات با افزایش سن ازدواج رابطه مستقیم دارد؛ به طوری که هر چه فرد تحصیلات بیشتری داشته باشد، توقع بالاتری از اشتغال و سطح زندگی دارد، بنابراین دیرتر ازدواج میکند. (کاظمی پور، ۱۳۸۴: ۵).
- ۶- رابطه معنی داری میان متغیرهای ادامه تحصیل، اشتغال دختران، شرایط اقتصادی، نگرش خانواده نسبت به ازدواج و بی اعتمادی اجتماعی، با افزایش سن ازدواج وجود دارد. (بحیرانی؛ حضرتی صومعه، ۱۳۹۰).
- ۷- چگونگی زناشویی والدین، اهداف تحصیلی و فقدان خواستگار مناسب، همچنین تحصیلات بالا و شغل مناسب از جمله عواملی است که بر عدم تمایل دختران به ازدواج تاثیر گذاشته است. (فرگوسن، ۲۰۰۰: ۱۳۵).
- ۸- دختران مجرد نسبت به دختران متأهل از تحصیلات بالاتری برخوردارند، به علاوه بیشترین شاغلین را مجردها تشکیل می‌دهند. مجردها از پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتری نسبت به متأهل‌ها برخوردارند و بالاخره اینکه دختران تحصیل کرده، تحصیلات و دختران ازدواج کرده، سن را جزء معیارهای نخستین انتخاب همسر قرار دادند. (آبدخت، ۱۳۸۴).
- ۹- دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیشتری دارند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های از دست رفته بیش از فرصت ازدواج است. (پورگتابی و غفاری، ۱۳۹۰).
- ۱۰- عوامل متعددی بر زمان ازدواج موثر هستند، مهم‌ترین عوامل موثر، تحصیلات عالی و اشتغال زنان، دشواری دسترسی به زوج مناسب و میزان آزادی در انتخاب همسر می‌باشد. (هیول، ۱۳۸۸: ۷۸).





۱۱- در مقاله دیگری بین نوع پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و دیررسی ازدواج جوانان تفاوت معناداری وجود ندارد، بر این اساس می‌توان گفت که این نتایج با تحقیقات "کاظمی پور، آبدخت، حسین زاده و اسکندری چراتی" همسو نمی‌باشد؛ ولی بین میزان تمایل به ادامه تحصیل، مشکل پسندی جوانان، میزان اعتماد جوانان مجرد نسبت به یک دیگر، مشکل اشتغال، میزان تمایل به اشتغال دختران، تمایل به زندگی مجردی، سخت‌گیری در ازدواج جوانان از سوی خانواده و دیررسی ازدواج جوانان رابطه وجود دارد که همسو با تحقیقات دیگران است. (پورتنی، ۱۳۹۴).

۱۲- زنان جوانی که به ارزش‌های سنتی کمتر معتقدند، بیشتر احتمال دارد که ازدواج را به خاطر تحصیلات بالاتر یا وارد شدن به بازار کار به تاخیر بیندازند. (ایمانی، ۱۳۷۹: ۱۳).

مقاله حاضر نیز در ادامه و تکمیل مقالات موجود، به قدر وسع و توان، در صدد پاسخ به این سوالات است که: علل و عوامل افزایش سن ازدواج دختران کدام است؟ آسیب‌ها و پیامدهای بالا رفتن سن ازدواج دختران چیست؟ چه راه کارهایی جهت کاهش سن ازدواج دختران وجود دارد؟

هدف از طرح بحث این است که: علل ایجاد کننده پدیده بالا رفتن سن ازدواج دختران مورد بررسی قرار گیرند. پیامدهای پدیده افزایش سن دختران بر شمرده و بیان شوند. راه کارهای مناسب برای رویارویی با این امر مطرح گردند.

لذا با این پیش فرض که: بالا رفتن سن ازدواج جوانان به خصوص دختران، خانواده را با خطر انقراض مواجه می‌کند، فرضیه پژوهش چنین مطرح می‌شود که: بین عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و بالا رفتن

سن ازدواج دختران، رابطه وجود دارد و عوامل اقتصادی، از مهم ترین علل هستند.

قبل از ورود به بحث عوامل، آسیب‌ها، پیامدها و راهکارهای مساله، لازم است منظور از ازدواج، فلسفه، هدف، کارکردها و سن ازدواج مشخص شود.

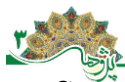
تعریف مفاهیم و اصطلاحات

ازدواج: مصدر باب افتعال، در لغت به معنای «با هم جفت شدن، جفت گرفتن، زن گرفتن، شوهر کردن و زناشویی است.» (عمید، ۱۳۵۷: ۱۲۳). و در اصطلاح، ازدواج عبارت است از: «پیوند دینی و رسمی یک زن و مرد برای شروع زندگی مشترک.» (انوری، ۱۳۸۱: ۳۴۵). یا عملی است که پیوند بین دو جنس مخالف را بر پایه روابط پایای جنسی، موجب می‌شود. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵).

سن ازدواج: سنی که افراد به زندگی زناشویی وارد می‌شوند که طبق بررسی‌های به عمل آمده، عامل تعیین کننده آن در گذشته و حال تغییر یافته‌اند. (میشل، ۱۳۵۴: ۳۳). سن ازدواج، در هر جامعه‌ای بر حسب شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص آن جامعه، تعیین می‌گردد؛ که نه تنها در جوامع مختلف متفاوت است؛ بلکه در جامعه‌ای واحد نیز در طول زمان ثابت نمی‌ماند و بر طبق شرایط یاد شده، کم و زیاد می‌شود. (بستان، ۱۳۸۳: ۲۱).

تجرد قطعی: کسانی را در بر می‌گیرد که هرگز ازدواج نکرده و امیدی به ازدواج نداشته باشند. (ساروخانی، همان).

تاخیر در سن ازدواج: به میزان عقب افتادن سن مطلوب ازدواج،



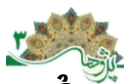
برحسب متغیرهای کمی و کیفی گویند. (اسکندری، ۱۳۸۷: ۱۲).
دیررسی ازدواج: ازدواجی که دیرتر از سن مناسبی که هر جامعه برای ازدواج تعیین کرده صورت می‌گیرد. (عمید، همان: ۱۴۶۳).

فلسفه ازدواج

چرا انسان‌ها و سایر موجودات زوج (مذکر و مؤنث) آفریده شده‌اند؟ ازدواج از سنت‌های آفرینش و به منظور بقای نسل است. یکی از اسرار عجیب خلقت نر و مادگی موجودات است. اگر این واقعیت وجود نداشت، هیچ یک چیز دو چیز نمی‌شد و جای از بین رفته‌ها پر نمی‌گشت و تولید و تکثیر مطلقاً معنائی نداشت. (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۸۷).

انگیزه و هدف از ازدواج

چرا ازدواج می‌کنیم؛ در صورتی که ازدواج همراه با تعهدات و مسئولیت‌های مختلفی هست؟ ازدواج در عین تعهداتی که به همراه دارد، دارای فواید بسیاری از جمله: تامین کننده مشروع نیاز جنسی، فرزندخواهی و تداوم نسل، آرامش و تعادل روحی و جسمی، نیاز به یار و همدم، استقلال طلبی، مسئولیت‌پذیری، ارضای حس محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن و... بوده، آثار و کارکردهای مطلوبی دارد. با ازدواج زوجین به آسایش و آرامش می‌رسند، «و مِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوْا اِلَيْهَا» (روم (۳۰/۲۱). عفت و حیای فردی و اجتماعی حفظ شده، فرد و جامعه را از گزند انحراف مصون می‌دارد، به تکامل و رشد اخلاقی، اجتماعی و عقلانی زن و شوهر کمک می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱۶: ۲۴۹).

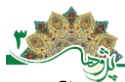


شهید مطهری اصل مکملیت زوجین را این گونه بیان می کند:
 «قانون خلقت، زن و مرد را طالب یکدیگر قرار داده و آن ها را نیازمند به هم آفریده است. در واقع زن و مرد در خود نواقصی می بینند که با ازدواج و در کنار یکدیگر، می توانند آن نواقص را برطرف کرده، مکمل یکدیگر باشند.» (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۶۸).

و در مورد اهمیت و کارکردهای ازدواج می نویسد:
 «در تشکیل خانواده رشدی است که هیچ چیز دیگر جایگزین آن نمی شود، یک خصایص اخلاقی هست که انسان جز در مکتب تشکیل خانواده نمی تواند آن ها را کسب کند.... اخلاقیون و ریاضت کش ها، که این دوران را نگذرانده اند، تا آخر عمر یک نوع خامی و یک نوع بچگی در آن ها وجود داشته است. از جمله عللی که در اسلام ازدواج یک امر مقدس و یک عبادت تلقی شده همین است. ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی فرد و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است.» (همان، ۱۳۷۲: ۲۵۱).

«یک پختگی هست که این پختگی جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی شود، در مدرسه پیدا نمی شود، در جهاد نفس پیدا نمی شود، در نماز شب پیدا نمی شود، با ارادت به نیکان هم پیدا نمی شود. این را فقط در همین جا [ازدواج و تشکیل خانواده] باید به دست آورد.» (همان: ۳۹۸).

با توجه به آثار و کارکرد های ازدواج، از دیدگاه فقها، ازدواج به خودی خود، مستحب مؤکد است؛ اما برای کسی که بدون ازدواج به گناه می افتد، واجب است. (حسینی، ۱۳۸۹ش: ۳۹/ النجفی، بی تا، ج ۲۹: ۸)



علل و عوامل بالا رفتن سن ازدواج دختران

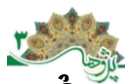
چرا با وجود اهمیت بسیار زیاد ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام، امروزه اغلب، ازدواج‌ها از سنین طبیعی و مطلوب، به تاخیر می‌افتد؟ آنچه که باعث این تاخیر می‌شود، بعضی عوامل واقعی یا ساختگی است که در این راه وجود دارد. که البته مشکلات غیرواقعی و خودساخته، مانع بزرگ‌تری در مسیر ازدواج می‌باشد.

۱. اشتغال به تحصیل

تحصیلات دانشگاهی دختران، ورود وسیع‌تر آنها به دانشگاه‌ها نسبت به پسران، تمایل زیاد به ادامه تحصیل و کسب مدارج بالای علمی و به دنبال آن دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی و ایجاد دل‌مشغولی و دغدغه‌ی تحصیل، باعث موکول شدن ازدواج و کسب آمادگی، به بعد از فراغت از تحصیلات و نادیده گرفتن فرصت‌های ازدواج می‌شود. "مک دونالد هیول" یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تاخیر ازدواج دختران را، تحصیلات عالی می‌داند. (هیول، همان: ۸۸). البته نتایج بررسی در ایران نشان می‌دهد که گرایش به تحصیلات صرفاً ۲ تا ۳ سال منجر به افزایش میانگین سن ازدواج می‌شود و مساله‌ای دائمی نیست. (کاظمی پور، همان: ۹۳).

۲. اشتغال و استقلال مالی

افزایش اشتغال و در پی آن استقلال مالی و اجتماعی و واگذاری مسئولیت‌هایی به دختران، هر چند مفید بوده و باعث رشد اجتماعی بانوان می‌گردد؛ ولی سبب کاهش میزان وابستگی اقتصادی به خانواده و همسر



آینده و تن ندادن به ازدواج شده است. زنانی که موقعیت اقتصادی بهتری دارند، از موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردارند، احساس آزادی بیشتری می‌کنند و به لحاظ اقتصادی نیز متکی به دیگران نیستند. (شیخی، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

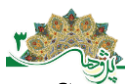
بسیاری از صاحب نظران اظهار عقیده کرده‌اند که اشتغال، جایگزین دیگری برای ازدواج، فراروی زنان قرار می‌دهد و به این دلیل که مزایای اقتصادی اشتغال، امنیت و رضایت شخصی بیشتری در مقایسه با ازدواج برای زنان فراهم می‌آورد، به اهداف شغلی اولویت بیشتری داده، در نتیجه، ازدواج را به تاخیر می‌اندازند. (بستان، ۱۳۸۳: ۱۳).

البته این مساله کلیت ندارد و در موارد بسیاری استقلال مالی زنان، نه تنها انگیزه آنها را برای ازدواج کم نکرده؛ بلکه شاید قدرت درآمد زایی خانم‌ها، امتیازی برای تشکیل خانواده و تامین مالی آن به وجود آورده باشد. چه بسا امروزه اغلب مرد‌ها، به دلیل مشکلات اقتصادی و هزینه‌های بالای ازدواج و زندگی پس از آن، ترجیح می‌دهند با زنان شاغلی که دارای درآمد مناسب هستند، ازدواج کنند، تا بتوانند در کنار آنها کمک خرج خانه باشند.

همچنین در بعضی موارد، اشتغال خارج از منزل خانم‌ها، به علت وسیع‌تر شدن زمینه‌های گزینش همسر، به تسهیل در امر ازدواج منتهی می‌گردد. (ساروخانی، همان: ۱۷۱).

۳. بالا رفتن سطح توقعات

افزایش استقلال مالی، دست یابی به پایگاه اجتماعی و بالا رفتن سطح توقعات دختران، سبب شده است که دخترها نسبت به ازدواج سخت





گیر شوند. به طور معمول دختران تحصیل کرده و شاغل، مشکل پسند می‌شوند و پس از تحصیل نیز به دنبال فردی هم‌شأن خود هستند و حاضر نیستند با افرادی که رتبه پایین‌تری دارند، ازدواج کنند. (امینی، ۱۳۹۰: ۳۲). اما در سالهای اخیر با پیشی گرفتن تعداد دانشجویان دختر نسبت به پسرها و تصاحب مشاغل مختلف، امکان ادامه این روند وجود ندارد و دخترها در صورتی که بخواهند با مردانی ازدواج نمایند که از نظر تحصیلی و سنی و پایگاه اجتماعی در سطحی بالاتر باشند، دچار مضيقه ازدواج خواهند شد. (بلادی موسوی، ۱۳۸۳). بالا رفتن سطح توقعات، باعث دست نیافتن به مطلوب و طولانی شدن سن ازدواج می‌گردد و یا گاهی جمعیت هرگز ازدواج نکرده را، در این بین افزایش می‌دهد.

۴. سخت‌گیری‌ها و وسواس‌های افراطی در امر ازدواج

انسان، در آغاز دوران بلوغ و مدتی پس از آن، در پی ارضاء غریزه جنسی و رسیدن به معشوق، نگاهی سهل‌گیرانه‌تر نسبت به ازدواج دارد؛ لذا به ندرت در خصوص ویژگی‌های شریک زندگی خود به تأمل و محاسبه می‌پردازند. به تدریج که از سن بلوغ فاصله می‌گیرد، قوای عقلی و فکری تقویت می‌گردد و در کنار پاسخگویی به نیاز جنسی، دچار سخت‌گیری در انتخاب همسر می‌شود و به مرور نکاتی ریز و غیر قابل اعتنا، در نظر فرد از اهمیت فراوانی برخوردار می‌گردد؛ که دستیابی به همسر مطلوب را، به آرزویی تبدیل می‌کند که به آسانی قابل تحصیل نیست. چنین فرد تمامیت‌خواه و کمال‌گرایی به انتخاب‌های ناقص رضایت نمی‌دهد و همواره در جست و جوی ایده‌آل‌های ذهنی خود هست؛ لذا خواستگاران خود را بیش از حد مورد ارزیابی‌های موشکافانه

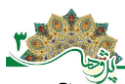
قرار می‌دهد و دائماً مراقب هست که موردی از نظرش جا نیفتاده و تصمیمی ناپخته و نسنجیده نگیرد؛ از این رو تا پیدا شدن مورد مناسب، برای ازدواج، معطل می‌ماند. عقب‌انداختن مدام ازدواج، به امید رسیدن به همسری آرمانی، ایده آل و عاری از هر گونه عیب، باعث از دست دادن فرصت‌های مناسب و به تأخیر افتادن ازدواج می‌شود.

www.pasokhgoo.ir/node/23833

۵. انزواطلبی و فردگرایی

از جمله دلایل بی‌ رغبتی جوانان به ازدواج، انزواطلبی و فردگرایی است. یکی از پیش‌زمینه‌های اصلی فردگرایی، رفاه است. استقلال مالی، منجر به استقلال اجتماعی می‌شود؛ لذا طبقات اجتماعی بالاتر و بخش‌های تحصیل کرده‌تر یک جامعه، بیشتر به فردگرایی گرایش دارند. (استفن ال، ۱۳۸۱: ۲۲).

فردگرایی، فلسفه‌ای است در مورد زندگی، که بر اولویت نیازهای فردی بر نیازهای گروهی، روابط اجتماعی نه‌چندان منسجم و گرایش به خودمختاری تأکید دارد. (هری س‌تری، ۱۳۷۸: ۲۵۸). در چنین حالتی فرد ترجیح می‌دهد رفاه، آسایش و امنیت خویش را حفظ نموده، از تحت نفوذ دیگران خارج شده و مستقل باشد. (استفن ال، همان) زیرا آنقدر خودخواه است و خودش را دوست دارد که حاضر نمی‌شود به خودش سختی دهد که عشق فرد دیگری را تجربه کند؛ بنابراین عشق به خود را، نسبت به عشق به دیگری ترجیح می‌دهد.



۶. رابطه با جنس مخالف

زیاد شدن فاصله بین بلوغ جنسی و ازدواج، در کنار گسترش روزافزون و سایل ارتباط جمعی از جمله ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و غیره، سبب شده تا زمینه ارتباط‌های آسان دیداری و شنیداری در فضای واقعی و مجازی، برای جوانان به راحتی مهیا شود و ضمن رفع بخشی از حس تنهایی و نیازهای عاطفی و گاهی ارضاء غرایز و نیازها، بدون ازدواج و خارج از چارچوب خانواده و پرداخت هزینه‌های قانونی و اجتماعی، از ازدواج و دنیای متاهلی دوری گزینند و مجرد را، بهتر از تحمل دردهای تاهل بدانند و بر این باور باشند که در دوران جوانی باید آزادانه به تجربه و لذت بردن از زندگی پرداخت.

اگر جامعه‌ای به اعضای خود اجازه دهد که بدون ازدواج و پذیرش مسئولیتهایی که از جهت ازدواج متوجه آنان می‌گردد، بتوانند با یکدیگر روابط جنسی برقرار کنند، طبیعی است که دیگر دست یابی به شریک جنسی، نمی‌تواند انگیزه اولیه ازدواج باشد و در نتیجه، شمار زیادی از جوانان ترجیح می‌دهند از ازدواج امتناع ورزیده، نیاز جنسی خویش را به شیوه‌های کم هزینه‌تر برآورده سازند.

(Spanier, 1991: 89 - 99 به نقل از: بستان، همان: ۲۴).

۷. بی‌اعتمادی اجتماعی

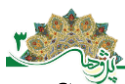
دلیل اینکه دختر و پسر که مشکل کار، مسکن، مادیات و خواستگار ندارند، ازدواج نمی‌کنند چیست؟ گیدنز در این زمینه معتقد است یکی از مهم‌ترین آفت‌های اجتماعی که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌سازد، فقدان اعتماد میان اعضای جامعه، یا به اصطلاح بی‌اعتمادی



است. گسترش بی اعتمادی و دو رویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی [اعتیاد، فریبکاری، کلاهبرداری و تجربیات تلخ دیگران] در سطح جامعه، به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تنزل کرده است. (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۴۴) البته این مساله در شهرهای بزرگ به دلایل جمعیتی و فرهنگی، بیشتر به چشم می‌خورد و در شهرستانها شیوع کمتری دارد. بدیهی است هر قدر اعتماد میان افراد جامعه کمتر باشد، ریسک ازدواج بالاتر می‌رود و افراد، با احتیاط بیشتری به این کار اقدام می‌کنند. لذا یکی از دلایل مهم بالا رفتن سن ازدواج به ویژه در شهرهای بزرگ، همین عدم اعتماد متقابل و شناخت کم طرفین نسبت به یکدیگر است. (محمدپور، ۱۳۹۰: ۴۲).

۸. عدم اعتماد به جنس مخالف

موضوع قابل توجه دیگر، بدبینی و عدم اعتماد نسبت به جنس مخالف است؛ که حس خیانت از سوی طرف مقابل را در اذهان افزایش داده و عاملی برای کاهش ازدواج و عدم رغبت جوانان به انتخاب همسر و تشکیل زندگی مشترک شده است. البته به نظر می‌رسد زنان به مردان اعتماد کمتری دارند. ایجاد برخی تغییر و تحولات در جامعه کنونی و در زندگی اطرافیان و فیلم‌ها، مانند: چشم چرانی و تنوع طلبی، تمایل به تعدد زوجین و عقد موقت، رفتار نامناسب و خشن، عدم مسئولیت‌پذیری مردها و غیره؛ باعث شده که دسته‌ای از دختران، این اقدامات را به همه مردان تعمیم داده و از ازدواج سر باز زنند و به این باور برسند که هیچ مردی قابل اعتماد نیست.



۹. وجود خواهر یا برادر بزرگ‌تر مجرد

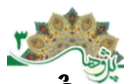
در اغلب خانواده‌های ایرانی رسم بر این است که؛ اول فرزند بزرگ‌تر به خانه بخت برود و بعد فرزندان کوچکتر و در ازدواج فرزندان ترتیب را رعایت می‌کنند. چه بسا برای فرزند کوچکتر زمینه ازدواج مهیا شود؛ ولی تا هنگام ازدواج خواهر یا برادر بزرگ‌تر، ازدواج را به تأخیر می‌اندازند؛ به گونه‌ای که فرزند کوچکتر شانس ازدواجش را از دست می‌دهد و احتمالاً مانند خواهر یا برادر بزرگ‌تر با تأخیر در ازدواج روبه‌رو می‌شود.

۱۰. سخت‌گیری و انتظارات بالای خانواده‌ها

ازدواج، امری ساده و نیازی طبیعی است که؛ زن و مرد نسبت به هم دارند و طبق قاعده باید مانند سایر نیازهای طبیعی، بدون تکلف انجام بگیرد؛ لیکن این حقیقت ساده، از مسیر سهل و بی‌آلایش خود خارج شده و به یک سری آداب و رسوم ناشی از چشم و هم‌چشمی‌ها، توقعات، شروط دست و پاگیر، ملاک‌های سختگیرانه خانواده‌ها، تعیین مهریه‌های سنگین، بالا بودن تشریفات، جهیزیه‌های لوکس و آنچنانی، تأکید بر لزوم وجود توانایی اقتصادی پسر و ... تبدیل گشته است و این قیود زائد را، به صورت جزء جدا نشدنی ازدواج درآورده و آن را امری غیر طبیعی و دشوار ساخته است. از این روی، بسیاری از جوانها برخلاف میل باطنی، از ازدواج به موقع محروم می‌شوند و بهترین اوقات جوانی را در حال تجرد به سر می‌برند. (امینی، همان: ۱۲۵).

۱۱. عدم استقلال، تعهد و مسئولیت‌پذیری

می‌توان عدم مسئولیت‌پذیری را یکی از عوامل مهم تأخیر در ازدواج

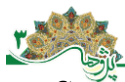


جوانان داندست. «مسئولیت پذیری یعنی؛ قابلیت پذیرش، پاسخگویی و به عهده گرفتن کاری که از کسی درخواست می‌شود و شخص حق دارد که آن را بپذیرد یا رد کند.» (رفعتیان، ۱۳۸۷: ۱۱). فرد مسئولیت پذیر فعالیت‌ها و کارهایی که به وی محول شده را به نحو احسن بر عهده می‌گیرد و در برابر آن پاسخگو است. امروزه نقش والدین از هدایت، حمایت و نظارت، به حمایت گری صرف تبدیل شده است و با فراهم کردن اکثر امکانات و پاسخ دهی افراطی به نیازهای فرزند و محول نکردن کارها و تکالیف به او، حس مسئولیت پذیری و استقلال فرزند را سرکوب می‌کنند؛ به طوری که جوانان برای رسیدن به استقلال، آمادگی لازم را کسب نکرده همچنان به خانواده و والدین خود وابسته‌اند. و از آن‌جا که ازدواج همراه با مسئولیت و قبول برخی از خودگذشتگی‌ها است، بعضی از جوانان اعم از دختر و پسر ترجیح می‌دهند، فارغ از تعهدات و مسئولیت‌های زندگی متاهلی، آزاد و رها در دنیای تجردی زندگی کنند.

(www.mashregnews.ir/news/310910)

۱۲. نبود خواستگار مناسب

ناپسند بودن خواستگاری دختر از پسر و نداشتن خواستگار هم کفو و مناسب، یکی از مشکلات رایج در میان دختران امروزی است. دخترانی که آمادگی لازم برای ازدواج را دارند؛ ولی بنا به دلایل آشکار و پنهان، یا اصلاً خواستگار ندارند یا خواستگاران‌شان سنخیتی با شرایط آن‌ها ندارند؛ لذا به دلیل فقدان همسر مورد علاقه خود، مجرد می‌مانند.



۱۳. نبود واسطه

سال‌های نه چندان دور، مردم، بیشتر در جریان زندگی هم بودند، رفت و آمد بیشتری داشتند و همدیگر را بهتر می‌شناختند، معیارهای ازدواج جوانان نیز متفاوت بود. آن زمان افراد با تجربه و معتمدی به عنوان واسطه ازدواج، جوانان مجردی را که بین شان تناسبی می‌دیدند، به هم معرفی می‌کردند؛ اما به دلیل تغییر معیارهای ازدواج، سخت پسندتر شدن جوان‌ها، ترس از خوشبخت نشدن دختر و پسر، بالا رفتن آمار طلاق، کم شدن میزان ازدواجهای فامیلی و رفت و آمد بین خانواده‌ها و همسایگان و خیلی موارد دیگر، کم کم آشنایی و شناخت خانواده‌ها از هم و تعداد واسطه‌های ازدواج کمتر و مسئله‌ی وساطت در امر ازدواج مورد غفلت واقع شده است. در نتیجه خواستگاران مناسب کاهش و سن ازدواج افزایش یافته است.

۱۴. عدم وجود مراکز همسریابی مطمئن و کارآمد

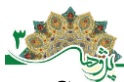
همسان‌خواهی یا همسان‌گزینی عبارت است از؛ انتخاب همسر حتی الامکان هم کفو، زیرا انسان‌ها معمولاً در پی گزینش همسرانی همسان و هم شأن خودشان هستند تا زندگی شان از استحکام و دوام بیشتری برخوردار گردد. مشکل نیافتن همسر دلخواه، کمبود مراکز معتبر، مطمئن و کارآمد همسریابی و همسان‌گزینی را به شدت محسوس می‌کند. با کم‌رنگ شدن میانجی‌گری در امر ازدواج، شیوه‌های جدید دلالی، جایگزین واسطه‌گران سنتی شد. از آن جمله می‌توان به نقش شبکه‌های اجتماعی، مراکز و سایت‌های همسریابی مجازی و غیره اشاره کرد که قارچ‌گونه در حال رشد هستند و مشکلاتی را پیش روی جوانان قرار



داده‌اند و نتایج قابل قبولی در برنداشته، نتوانسته اعتماد خانواده‌ها را جلب کند. با این وجود، هنوز دیدگاه‌ها نسبت به تا سیس چنین مراکزی، بسیار سطحی است. تعداد مؤسسه‌های همسان‌گزینی کارآمد، در کشور خیلی اندک است و فقط در برخی شهرها فعالیت دارند؛ در صورتی که، ازدواج گروه زیادی از جوانان، اعم از دختر و پسر با وجود آمادگی لازم برای ازدواج و تشکیل خانواده، به دلیل نیافتن همسر دلخواه به تاخیر افتاده است. <https://hamsan.tebyan.net>

۱۵. سد بودن تاهل (ازدواج مانع پیشرفت است).

برخی، ازدواج را مانع بزرگی در راه رشد و ترقی فردی به حساب می‌آورند و معتقدند که تاهل، باعث ایجاد محدودیت در بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای آنها می‌شود. این گرایش نه تنها در بین پسرها رواج دارد؛ بلکه بسیاری از دخترها نیز ازدواج را نوعی محدودیت و موجب سلب آزادی‌های فردی و سد راه آینده و پیشرفت خود می‌دانند؛ با شرایط بعد از ازدواج به خاطر ترس از دست دادن منطقه‌ی امن مجردی، مشکل دارند و نمی‌خواهند وقتی وارد مرحله دیگری از زندگی می‌شوند و قاعدتا باید امتیازاتی به دست بیاورند، همان حقوقی که هنگام مجرد داشته‌اند را هم از دست دهند. (سید رضا صائمی، همان). و طبق نظریه ستمگری جنسی که زنان با ازدواج زیر سلطه مردان قرار می‌گیرند؛ حاضر نیستند از سلطه‌گری پدر و برادر خلاص شده و زیر سلطه مردی دیگر، به نام شوهر بروند که اجازه اش دست اوست. (جیمز، ۱۳۸۷: ۹۱/ ابوت؛ والاس، ۱۳۹۵: ۲۹۱-۲۹۲). در واقع جایگاه ازدواج برای این افراد، در مراحل بعدی بوده؛ تحصیل، کار و رسیدگی به علایق، مقدم بر ازدواج است و حاضر نیستند



به خاطر مشغله فکری و مسئولیت‌های ناشی از ازدواج، این اولویت‌ها را قربانی کنند. در پژوهشی، ۲۵/۳ درصد از دختران مجرد و ۱۸/۴ درصد دختران متأهل اعتقاد دارند که هزینه از دست دادن فرصت ازدواج، بسیار کمتر از هزینه از دست دادن سایر فرصت‌ها، به خصوص تحصیلی و شغلی است. (پورگتابی و غفاری، ۱۳۹۰: ۳۴).

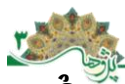
۱۶. ترس از طلاق و جدایی

عامل دیگری که ذهنیت و تصمیم جوانان به ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهد، افزایش آمار طلاق، فروپاشی خانواده‌ها و زندگی‌های ناموفق است. این امر سبب می‌شود فردی که در آستانه ازدواج قرار دارد، دچار نگرانی و تشویش خاطر گشته، با احتیاط و تأخیر، اقدام به ازدواج نماید. دکتر سهیل رضایی مدیر بنیاد فرهنگ زندگی مرکز مطالعات و آموزش علوم روانشناسی عمق نگر در گفتگو با ایمن می‌گوید: «با رواج پدیده طلاق، فرد خود را توجیه می‌کند که شرایط مجردی را بهتر از شرایط نامعلوم متاهلی بداند...»

<http://www.imna.ir/news/277858>

۱۷. به هم خوردن توازن جمعیت

از جمله عواملی که باعث تجرد شده، مسئله عدم تعادل در رشد جمعیت است. (جعفری مژه ای، ۱۳۸۳). در این رابطه، دکتر محمدتقی کرمی، عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان، به بررسی این پدیده اجتماعی پرداخته است: افزایش و کاهش جمعیت در دو دهه ۴۰ و ۶۰، نوساناتی را به دنبال داشته است. از آنجا که در کشور، الگوی فاصله سنی

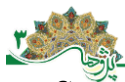


ازدواج دختر و پسر وجود دارد و این فاصله سنی معمولاً سه یا چهار سال است، این نوسانات، تعداد دختران و پسران در آستانه ازدواج را به هم ریخته است. به عبارت دیگر با الگوی رعایت فاصله سنی، دخترانی که در دوره افزایش جمعیت بودند، باید با پسرانی که چند سال بزرگ‌تر از خودشان هستند و در دوره کنترل جمعیت به دنیا آمدند، ازدواج کنند. طبیعتاً آمار پسرهای این دوره کمتر است. بنابراین می‌توان مشاهده کرد که این شوک‌های جمعیتی یکی از دلایل مجرد دختران می‌شود. به عبارت دیگر مشکل زیاد بودن دختران در سن ازدواج نیست؛ بلکه مشکل تنظیم جمعیت است.

<https://www.parsnews.com/fa/tiny/news279838>

۱۸. مشکلات اقتصادی

یکی از دلایل اصلی بالا رفتن سن ازدواج دختران را، باید در مشکلات مالی و اقتصادی و نارسایی‌های مرتبط با حوزه اشتغال بخصوص برای مردها، جستجو کرد. طبق گزارش سازمان ملی جوانان (۱۳۸۰) برای پسرهای بیکاری، نداشتن ثبات شغلی و توان مالی کافی در اولویت‌های اول تا سوم ازدواج قرار دارد. در جامعه ما غالباً تامین هزینه‌های زندگی به عهده مرد است. در واقع، این وظیفه توسط عرف، شرع و قانون تعیین شده است. هزینه‌های مالی یک خانواده نیز بسیار گسترده و متنوع است؛ که هزینه‌های قبل، بعد و حین ازدواج را در بر می‌گیرد. جوانان اغلب، زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشند از عهده تامین معاش خانواده بر می‌آیند. روشن است که تامین کامل چنین مخارجی، تنها در صورتی امکان پذیر است که افراد به مشاغلی با درآمد کافی، دسترسی داشته





با شند. طبیعتاً در شرایطی که او ضاع اقتصادی کشور ناب‌سامان و عده زیادی از جوانان بیکار باشند، جوان در تامین معیشت روزمره و نیازهای ضروری تشکیل خانواده، با مشکل و چالش مواجه می‌شود و به فکر تشکیل خانواده نیست. شرایط اقتصادی جامعه و توان مالی فرد، می‌تواند تسریع کننده یا یازدارنده امر ازدواج باشد. در شرایط کنونی که کشور با رکود اقتصادی و مشکل بیکاری روبه‌رو است، جوانان سعی می‌کنند تا مهیا شدن شرایط مناسب مالی، ازدواج را به تأخیر بیندازند؛ در نتیجه از تعداد خواستگاران، کاسته می‌شود. (ر.ک. بستان، همان: ۲۲).

۱۹. تجمل‌گرایی، کسب رفاه و توقع بیشتر از زندگی

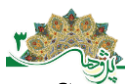
هر چند عوامل اقتصادی باعث تأخیر در ازدواج شده است؛ ولی نباید آن را به عنوان مانع اصلی قلمداد کرد. این که بسیاری از جوانان مجرد، در حالی که از نظر اقتصادی و پایگاه اجتماعی، وضع بهتری نسبت به جوانان متأهل دارند، مشکلات اقتصادی را مانع ازدواج به حساب می‌آورند؛ ریشه در نوع تلقی و فرهنگی دارد که در جامعه و بر خانواده‌ها حاکم است. زیاده طلبی‌ها، خودنمایی‌ها، راحت طلبی، رفاه زدگی و توقع بیشتر از زندگی، همگی ناشی از زیربناهای فرهنگی غلطی است که در شکل‌گیری این افکار نقش دارد و در واقع، اغلب فقر واقعی، مانع ازدواج نیست؛ بلکه نوعی فقر کاذب و خود ساخته و احساس فقر است که جوانان و خانواده‌ها را در آرزوی زندگی مطلوب، به انتظار شرایط مناسب نگه می‌دارد.

(<http://www.whc.ir/forms/articleview.php?id=7401>)

و ضمن تحمیل هزینه‌های گزاف بر طرفین، باعث به وجود آمدن نوعی رقابت در بین سایر افراد شده است؛ به طوری که افراد ضعیف

جامعه هم، در صددند برای حفظ آبرو، خود را به هر قیمتی، با این آداب و رسوم وفق دهند و چون توقعات زیادی دارند، به زمان بیشتری برای آمادگی ازدواج نیاز دارند و ترجیح می‌دهند تا آن زمان صبر کنند و تن به ازدواج ندهند؛ ولی هنگامی که از عهده تأمین این مخارج برنیایند، اقتصاد را به عنوان عاملی در بالا رفتن سن ازدواج مطرح می‌کنند. در همین زمینه رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر خطاب به جوانان می‌فرمایند:

«عزیزان من! موانع فرهنگی ازدواج را دست کم نگیرید. ازدواج برای جوانان لازم است و جوانان هم آن را می‌خواهند. البته موانعی هم وجود دارد، ولی همه موانع، اقتصادی نیست. موانع اقتصادی بخشی از مشکل است. عمده، موانع فرهنگی است - عاداتها، تفاخرها، تکاثرها، چشم و هم‌چشمی‌ها، تجمل‌طلبی‌ها - اینهاست که یک مقدار نمی‌گذارد آن کاری که باید انجام گیرد، صورت پذیرد. باید شما و خانواده‌هایتان این گره‌ها را باز کنید. من از ازدواجهای دانشجویی که هر سال برگزار میشود، بسیار خشنود و خر سندم. اگر عادت کنند که ازدواجهای ساده، بی پیرایه و بی تشریفات انجام دهند، فکر میکنم که بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. اساس ازدواج در اسلام، بر سادگی است. در اوایل انقلاب نیز همین‌طور بود؛ منتها متأسفانه این فرهنگ تکاثر و تفاخر و سرمایه‌داری، یک خرده کار را مشکل کرد. متأسفانه بعضی از مسئولان هم با ازدواجهای کذایی خانواده‌هایشان، مشکلاتی را درست کردند.» (۹ اسفند ۱۳۷۹، www.khemenei.ir).



عوارض، آسیب‌ها و پیامدهای بالا رفتن سن ازدواج

امام صادق(ع) می‌فرمایند:

«روزی پیامبر به منبر رفت و پس از نیایش و ستایش خداوند چنین فرمود: «ای مردم! جبریل از سوی خداوند مهربان و آگاه پیش من آمد و گفت: دوشیزگان مانند میوه‌های درختند که چون هنگام چیدن آن‌ها فرا رسد و چیده نشوند، خور شید آن‌ها را فرو می‌ریزد. دوشیزگان هم همان گونه‌اند که چون به حد بلوغ رسند، دارویی بهتر از شوهر کردن برای آنان نیست و گر نه از فساد و تباهی ایشان نمی‌توان در امان بود که به هر حال بشرند.» (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶، ص ۵۹۶).

شاید سوال مطرح شود که بالا رفتن سن ازدواج دختران، به تدریج چه نهادهایی از جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد؟ اولین مساله‌ای که به ذهن خطور می‌کند این است؛ که این رفتار نوظهور، خلاف آموزه‌های دینی، اخلاقی، فطری و عرفی هست. افزایش سن ازدواج به هر دلیلی که رخ دهد، آثار و آسیب‌های جسمی، روحی، روانی و اجتماعی را با خود خواهد داشت؛ به خصوص در میان دختران که از لحاظ ذاتی، فطری و اجتماعی، موقعیت آسیب‌زاتری نسبت به پسرها دارند؛ این رخداد، به صورت مسئله و دغدغه‌ای جدی‌تر و بحرانی‌تر بروز می‌کند؛ بنابر این یکی از مسائلی که وجود دارد، نگرانی از پیامدهای این پدیده است؛ که می‌توان از دو بعد آسیب‌های فردی و اجتماعی مورد مطالعه قرار داد. در این جا به برخی از پیامدهای موضوع بالا رفتن سن ازدواج دختران پرداخته می‌شود.

آسیب‌های فردی

افزایش سن ازدواج و پیامدهای فردی آن با نوع شخصیت، تمایلات و



گرایش‌ات فرد مرتبط است و نمی‌توان برای تمامی افراد، یکسان قضاوت و داوری کرد، به عبارتی، پیامدهای بالا رفتن سن ازدواج در گروه‌های مختلف، متفاوت است؛ چه بسا ممکن است در یک گروه، اثرات مثبتی نیز بر آن مترتب باشد. همین‌طور در مورد اثرات منفی نیز، شدت آنها از یک گروه اجتماعی به یک گروه دیگر متفاوت و متغیر است.

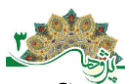
(<http://www.azadebabolj.blogfa.com/post-57.aspx>)

اگر افزایش سن ازدواج، ناخواسته و ناشی از تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... باشد؛ پیامدهای منفی به دنبال دارد. اما اگر خود خواسته و به دلیل اولویتهایی که فرد برای خود تعیین می‌کند باشد؛ ممکن است که آثار مثبتی مانند: فراهم شدن فرصت رشد، کسب تجربه، ارتقاء شغلی، تحصیلی و ... به همراه داشته باشد. البته پیامدهای منفی بالا رفتن سن ازدواج، بیشتر از منافع آن است به طوری که آثار مثبت را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. پیامدهایی مانند:

۱- گسترش بیماری‌های روانی از جمله خو گرفتن به فرد گرایی و انزوا طلبی، اضطراب و نگرانی؛

۲- سخت‌گیری و وسواس زیاد در انتخاب همسر، به دنبال کاسته شدن از انتخاب‌های احساسی و عاطفی و شدت گرفتن جنبه‌های محاسبه گرانه و عقلانی؛

۳- سهل‌گیری افراطی در انتخاب همسر، برای خلاص شدن از وضع موجود و احساس سربار بودن در خانواده و احساس تنهایی و نیاز به همسر، همدم و مونس؛





۴- کاهش انعطاف پذیری و سازش با همسر، به علت قوام یافتن شخصیت انسان با افزایش سن؛

۵- موظف شدن به نگهداری از والدین مسن و به دوش کشیدن مسئولیت دیگر اعضای خانواده؛

۶- از دست دادن فرصت‌ها و هدر رفتن طراوت، زیبایی و نشاط جوانی؛
۷- نازایی یا بالارفتن ریسک بارداری و به خطر افتادن سلامت مادر و جنین؛

۸- شرمساری، سرخوردگی و فشار روانی، با ازدواج هم سالان و در برابر نگاه‌ها، دلسوزی و پرسش‌های اطرافیان؛

۹- نداشتن امنیت کافی در جامعه.

آسیب‌های اجتماعی

بالا رفتن سن ازدواج دختران، نه تنها برای خود فرد؛ بلکه برای جامعه هم آثار سوء و منفی در بر دارد. ویل دورانت در این زمینه می‌گوید: «ما نمی‌دانیم که چه مقدار از مفاسد اجتماعی معلول تأخیر ازدواج است؛ ولی ظاهراً بیشتر این مفاسد از تأخیر امر با برکت ازدواج ناشی می‌شود و حتی فساد پس از ازدواج نیز، بیشتر محصول عادات پیش از ازدواج است.» (ویل دورانت، ۱۳۸۸: ۹۱).

۱- وارد شدن آسیب به ساختار خانواده و جامعه با کاهش نرخ باروری، رواج پدیده تک فرزندی، کم شدن و عدم تعادل در جمعیت و غلبه پیری؛

۲- بوجود آمدن شکاف بین نسلی و افزایش اختلاف سنی بین بچه‌ها و والدین و در نتیجه بی‌حوصلگی، وقت نداشتن برای فرزند، عدم توانایی

جسمی جهت نگهداری کودک، دادن امکانات رفاهی بیش از حد لزوم و مشکلات تربیتی فرزند؛

۳- دل نگرانی و پریشان خاطری والدین با افزایش سن ازدواج دختر؛

۴- افزایش پدیده کم حجابی، خودنمایی و تبرج و وارد شدن به رقابت زیبایی؛

۵- و در مراحل حادثر، مجردگرایی و بی میلی نسبت به ازدواج و به دنبال آن:

۶- فرار از خانه و خیابان گردی؛

۷- شکل گیری پدیده تک زیستی، رواج خانه های مجردی و همباشی ها؛

۸- رواج فساد اخلاقی و ناهنجاری در رفتار، اعتیاد و بزهکاری؛

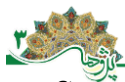
۹- بی بند و باری، روسپیگری، روابط و دوستی با جنس مخالف و افزایش روابط نامشروع؛

۱۰- شکل گرفتن روابط از هم گسیخته با مردان متاهل، فروپاشی، خیانت و طلاق در خانواده؛

۱۱- و در نهایت خودکشی از مهم ترین اثرات منفی اجتماعی، مجردگرایی است.

(<http://www.yjc.ir/fa/news/5945021>)

البته همانطور که قبلا بیان شد، این آسیب ها در مورد همه یکسان نیست؛ اکثریت قریب به اتفاق دختران، طبق آیه ۳۳ سوره نور: «وَلَيْسَتَعْظِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» و کسانی که [و سایل] ازدواج را نمی یابند، باید پاکدامنی و عفت پیشه کنند تا خداوند از کرم خود، آنان را بی نیاز کند.» خویشتن دار و عقیف هستند و با سرگرم شدن به



تحصیل، کار و حرفه در انتظار ازدواجی مناسب، روزگار می‌گذرانند و فراهم نشدن شرایط ازدواج را بهانه‌ای برای ارتکاب گناه و گرفتار شدن در آلودگیهای جنسی نمی‌دانند؛ ولی در مقابل، عده‌اندکی هم شاید تحمل وضع موجود برایش دشوار بوده، به منجلاب فساد کشیده شوند.

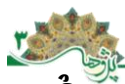
راهکارهای کاهش سن ازدواج

اشاره: پس از بررسی علل و پیامدهای بالا رفتن سن ازدواج دختران، سؤال این است که راه کارهای متناسب با علل ایجاد کننده و پیامدهای آن کدام است؟ به نظر می‌رسد در مقام ارائه راه حلی متناسب برای این مسئله، باید بر دو محور اساسی ساماندهی اقتصادی و فرهنگی تأکید کرد. در این بخش، به برخی از راه کارهای خرد و کلان که در مدیریت پدیده بالا رفتن سن ازدواج دختران می‌توانند مؤثر باشند، اشاره می‌شود. تلاش می‌شود بیش‌تر بر راهکارهای خرد که انتظار می‌رود والدین، خیرین، اطرافیان، مبلغان و مربیان به آن بپردازند، تأکید شود. البته نقش راهبردهای کلان که می‌بایست از سوی سیاست‌گذاران و حاکمان اتخاذ شوند نیز حائز اهمیت است و به اجمال به آن پرداخته می‌شود.

سیاست‌های خرد

رهبر معظم انقلاب در سخنانی خطاب به جوانان، والدین و مسئولان فرموده‌اند:

«به نظر من بر روی مسأله‌ی ازدواج جوان‌ها، خود جوان‌ها، اولیای خانواده‌هایی که جوان‌ها متعلق به آن‌ها هستند، و مسئولان ذی‌ربط مرتبط با دانشگاه، فکر کنند و تصمیم بگیرند. نگذاریم سن ازدواج که امروز متأسفانه بالا رفته؛ به‌خصوص در مورد دختران، ادامه پیدا نکند.



بعضی از تصورات و سنت‌های غلط در مورد ازدواج وجود دارد که این‌ها دست‌وپاگیر است، مانع از رواج ازدواج جوان‌ها است. این سنت‌ها را باید عملاً نقض کرد.» (خامنه ای، ۱۳۹۵،

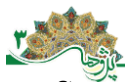
farsi.khamenei.ir/others-note?id=27145

از جمله راهکارهایی که جهت تعجیل در امر ازدواج سودمندند، بدین شرح هست:

۱. ازدواج در حین تحصیل؛

گرچه با ازدواج و تشکیل خانواده محدودیت‌هایی در راه ادامه تحصیلات خانم‌ها ایجاد می‌شود؛ ولی به گونه‌ای نیست که زن را از ادامه راه باز دارد. بسیاری از طلاب و دانشجویانی که بعد از ازدواج به فکر ادامه تحصیل افتاده‌اند و چه بسا در این زمینه موفق‌تر از مجردها، پیش رفته‌اند؛ لذا عده زیادی از افراد موفق، بعد از ازدواج، به تحصیل ادامه داده‌اند؛ به ویژه در مورد زوجینی که با هم درس می‌خوانند، شاهد این پدیده هستیم؛ که با قدری چاره‌اندیشی، از خود گذشتگی طرفین و همیاری هم‌سر، به طور شایسته‌ای از عهده این کار برآمده‌اند.

البته همیشه بالا رفتن تحصیلات دختران، عامل مجرد آنها نیست؛ برعکس در بیشتر موارد، مجرد عامل ادامه تحصیلات دختران می‌شود. چه بسا اگر ازدواج دخترها زودتر سر می‌گرفت، آنها سرگرم زندگی می‌شدند و نیازی نمی‌دیدند که تحصیلاتشان را ادامه دهند؛ پس عده‌ای از دختران دانشجو به علت بیکاری و مجرد به دانشگاه روی می‌آورند.





۱- آموزش مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی و توانمندسازی دختران و پسران در نقش مادری، پدری و همسری؛ از دوران نوجوانی و آگاهی‌دهی، چندین سال قبل از ازدواج؛

۲- آموزش حس مسئولیت‌پذیری و تعهدات حقوقی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی توسط خانواده، به فرزندان؛ البته این کار باید از اوان کودکی، توسط والدین و سپس مدرسه و مراکز آموزشی انجام گیرد.

۳- عدم سخت‌گیری و وسواس‌های افراطی در امر ازدواج، گرچه دقت لازم در گزینش همسر مناسب و توجه به ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری، معنوی و ظاهری او، امری ضروری و سرنوشت‌ساز است؛ ولی نباید راه افراط را پیش گرفت.

۴- فرهنگ‌سازی جهت تعدیل توقعات و خواسته‌های فرد و خانواده، کاهش تجملات و چشم و هم‌چشمی‌ها و ساده‌برگزار کردن مراسم ازدواج، مهریه، جهیزیه و غیره؛

۵- حمایت از عزت و کرامت همسری، نقش مادری و خانه‌داری زنان و نقش پدری و اقتصادی مردان و مسئولیت‌تربیتی و معنوی زنان و مردان و توانمندسازی اعضای خانواده در مسئولیت‌پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفاء نقش و رسالت خود؛

(سیاست‌های کلی خانواده)

(www.leader.ir/fa/content/16173/leader.ir)

۶- ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و

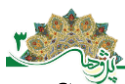
مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی بر اساس سنت الهی؛ (همان)

۷- تأسیس مراکز همسریابی معتبر، مطمئن و کارآمد با مجوز رسمی برای معرفی جوانان، همچنین توسعه مراکز آموزشی و خدمات مشاوره‌ای قبل، حین و بعد از ازدواج و آموزش شیوه‌های صحیح همسرگزینی و معرفی الگوهای مناسب در این زمینه برای تسهیل در انتخاب؛

۸- آموزش جوانان برای تشکیل زندگی مشترک و ترغیب به ازدواج، توسط خانواده و نهادهای مسئول؛ مثل آموزش و پرورش، آموزش عالی در دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و صدا و سیما و سایر نهادهای فرهنگی مثل نهاد روحانیت، مساجد و سازمان‌های فرهنگی که در حوزه فرهنگی جامعه فعال هستند. هر چقدر در موضوع آموزش‌های پیش از ازدواج سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گیرد، دید و آگاهی جوان‌ها، نسبت به این موضوع ارتقاء می‌یابد؛

۹- ترغیب و ترویج ازدواج‌های دانشجویی همراه با اقدامات عملی و حمایتی، افزایش مهارت دانشجویان در انتخاب درست و بالا بردن سطح آگاهی آنان برای داشتن زندگی موفق؛

۱۰- استفاده از واسطه‌های دلسوز و مورد اعتماد، جهت معرفی دختران به خانواده‌ها و افراد شایسته‌ای که در صدد ازدواج هستند. اهمیت این مساله تا بدان جاست؛ که در حدیثی از امیرمؤمنان علی ابن ابی‌طالب (ع) نقل شده است: « أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ مَنْ تَشَفَّعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُمَا؛ برترین میانجی‌گری، وساطت بین دو نفر در امر ازدواج است؛ تا این امر به سامان برسد. » (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۷۳)

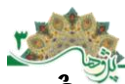


در آیه ۳۲ سوره نور می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ؛ مردان و زنان مجردتان را هم سر دهید.» مفهومش این است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمکهای مالی، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مساله ازدواج، و بالاخره پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست، خلاصه مفهوم آیه به قدری وسیع است که هر گونه قدمی و سخنی و درمی در این راه را شامل می‌شود: (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۵۷).

سیاست‌های کلان

چگونه می‌توان جوانان را به امر ازدواج تشویق کرد؟ سوالی که از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ پرسیده شد؛ در پاسخ گفتند: اشتغال _ درآمدزایی _ ایجاد نشاط و امید به زندگی _ تهیه مایحتاج زندگی = اقدام برای ازدواج

مشکلات اقتصادی مانند: نبود امنیت شغلی، حقوق‌های پایین و مشکل در تامین مسکن و مخارج زندگی از جمله مواردی است که هم جامعه‌شناسان و هم جوانان برای افزایش سن ازدواج بر روی آن اتفاق نظر دارند و انتظار می‌رود همه مسئولان اعم از دولت، مجلس، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مسئولان ذیربط با حمایت‌های اقتصادی، پرداخت وام‌های بلند مدت، کمک به تهیه مسکن و مهمتر از همه ایجاد شغل و تقویت بنیه مالی پسرها، بخش قابل توجهی از موانع ازدواج را مرتفع و زمینه ازدواج آسان را فراهم نمایند. پسرهای شاغل با درآمد مناسب، می‌توانند در حد امکان، توقعات (تعديل شده) دخترها را برآورده کنند؛ در نتیجه دخترها هم به همسر دلخواهشان می‌رسند و معضل بالا رفتن سن



ازدواج حل می‌شود.

هموار ساختن مسیر ازدواج و کاستن از بار مشکلات ازدواج و ترغیب جوانان جهت بر عهده گرفتن مسئولیت زندگی مشترک، هم در بعد اقتصادی و مالی و هم از منظر فرهنگی و اجتماعی، مسئولیتی فراگیر و عام است که هم آحاد جامعه باید نسبت به آن احساس وظیفه کنند و هم حکومت و دولتمردان، باید خود را موظف به آن بدانند.

امید است راهکارهایی از این دست، در حد تئوری باقی نمانده و در زمان اجرا به بن بست نرسد

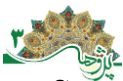
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مباحثی که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شد و نتایجی که عاید گردید به شرح ذیل است:

۱- علل بالا رفتن سن ازدواج دختران را می‌توان، روی آوردن به تحصیلات، اشتغال و استقلال مالی، بالا رفتن سطح توقعات، سخت‌گیری‌ها و وسواس‌های افراطی در امر ازدواج، انزوای و فردگرایی، رابطه با جنس مخالف، بی‌اعتمادی اجتماعی، عدم اعتماد به جنس مخالف، وجود خواهر یا برادر بزرگ‌تر مجرد، سخت‌گیری و انتظارات بالای خانواده‌ها، عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری، نبود خواستگار مناسب، مشکلات اقتصادی، تجمل‌گرایی، کسب رفاه و توقع بیشتر از زندگی دانست.

۲- عواملی که بیشترین تأثیر را بر تأخیر ازدواج دارند:

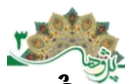
به نظر می‌رسد، مهمترین مانع ازدواج برای دخترها، نبود خواستگار مناسب هست؛ که آن هم معلول نبود شغل و در آمد کافی برای



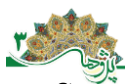
پسرهاست؛ پس اگر برای جوانان (پسرها) امکانات لازم جهت دستیابی به شغلی ثابت مهیا شود، در ازاء آن درآمد دریافت می کنند، در آمد کافی باعث ایجاد انگیزه و اقدام به ازدواج می شود؛ پس مسائلی مانند: تحصیلات، شغل و توقعات دختر و خانواده و غیره را تحت الشعاع قرار می دهد؛ لذا شاید به جرأت بتوان ادعا کرد، حلال مشکل ازدواج جوانان اعم از دختر و پسر، در ایجاد شغل دائم برای پسرها است؛ که امید می رود همه اقشار از جمله جوانان، خانواده ها، مردم و مسئولین به فکر چاره جویی برای این امر باشند.

ناگفته نماند که؛ علل و عوامل زیادی در تاخیر ازدواج موثرند و در عوامل نامبرده خلاصه نمی شود، عواملی مانند: فقر، اعتیاد، تحولات فرهنگی و تغییر در نظام ارزش های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی، ندا شتن جرأت و حس خطر کردن، کمرنگ شدن باورهای دینی، رواج شکل های بدیل و جایگزین ازدواج، تغییر نگرش ها نسبت به ازدواج، مهیا بودن وسایل خوش گذرانی و سرگرمی، بی برنامه بودن در زندگی، ظاهر گرایی و زیبا بینی، نقص جسمانی، نبودن امکان آشنایی با همسر آینده، محدود بودن دایره انتخاب همسر و ... نیز در این امر دخیلند؛ که به خاطر تلفیق شدن آن ها با موارد قبل و پیشگیری از اطاله کلام از ذکر آنها صرف نظر شده است.

یادآور می شود که، هیچ کدام از این عوامل به تنهایی و به خودی خود مانع ازدواج نیستند؛ بلکه همه یا تعدادی از علل و عوامل سبب افزایش سن ازدواج می شوند؛ البته برخی بیشتر و برخی کمتر در این امر سهیم هستند.



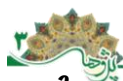
در خاتمه باید گفت در موضوع تأخیر در ازدواج جوانان، با توجه به آسیب‌هایی که فرد و جامعه را تهدید می‌کند، مثل همهٔ موضوعات فرهنگی و اجتماعی دیگر، بلافاصله بعد از طرح شدن مساله، انگشت تکلیف و اتهام به سوی دولت‌ها گرفته شده و کم‌تر به علل و عوامل فرهنگی توجه شده است. برداشت این است که مبارزه با موانع فرهنگی و پیش قدم شدن در امر ازدواج جوانان و از میان بردن مشکلات و موانع، امری نیست که اختصاص به دسته‌ای خاص داشته باشد و یا فقط از عهده حکومت برآید. این امر مسئولیتی همگانی است که بر شانه دولت و ملت سنگینی می‌کند. باید جوانان، خانواده‌ها، مردم و مسئولین با اتحاد و همدلی، موانع فرهنگی را برطرف سازند که در این صورت موانع دیگر هم خود به خود حل می‌شوند و می‌توان آسیب‌های اجتماعی را به حداقل رساند.



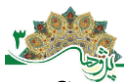
فهرست منابع

- قرآن کریم.

۱. آبدخت، فاطمه (۱۳۸۴)، *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج در بین دختران شهر تهران*: دانشگاه علامه طباطبائی.
۲. آبوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۹۵) *جامعه‌شناسی زنان*، منیزه نجم‌عراقی، تهران: نشر نی.
۳. اسکندری چراتی، آذر (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان»، *فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی*، سال چهارم، شماره سوم، آشتیان: دانشگاه آزاد.
۴. اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۵. امینی، ابراهیم (۱۳۹۰)، *ازدواج، موانع و راه‌حل‌ها*، قم: بوستان کتاب.
۶. انوری، حسن و همکاران (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*، جلد اول، تهران: انتشارات سخن.
۷. ایمانی، محسن (۱۳۷۹)، «ازدواج در سنین بالا»، *مجله اصلاح و تربیت*، شماره ۶۳، ص ۱۳.
۸. بحیرانی، الهام؛ حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۱)، «عوامل اجتماعی مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر»، *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، شماره ۴.



۹. بستان، حسین (۱۳۸۳)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۰. بلادی موسوی (۱۳۸۳)، صدرالدین، «تحصیلات عالی، موازنه جنسی و ازدواج»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۲۶، قابل دسترسی در:
- www.noormags.ir/view/fa/articlepage/236992
۱۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای (۱۳۷۹)، قابل دسترسی در:
- www.khamenei.ir
۱۲. پورتنقی، مهناز؛ فخرایی، سیروس (۱۳۹۴)، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس»، شماره ۲۷، بناب: دانشگاه آزاد.
۱۳. وبلاگ جامعه‌شناسان نواندیش،
- <http://www.azadebabolj.blogfa.com/post-57>
۱۴. جعفری مژهای، افشین (۱۳۸۲)، «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره اول، شماره ۵.
۱۵. جیمز، سوزان (۱۳۸۲)، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، عباس یزدانی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۶. حبیب‌پور گتایی، کرم؛ غلامرضا غفاری ۱۳۹۰، «علل افزایش سن ازدواج دختران»، پژوهش زنان، دوره ۹، ش ۱، تهران: دتنشگاه تهران.



۱۷. حسین‌زاده، رسول (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل جامعه شناختی موثر در تاخیر ازدواج جوانان شهرستان گرمسار»، *دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار*.

۱۸. حسینی، مجتبی (۱۳۸۹)، احکام ازدواج، قم: دفتر نشر معارف.
۱۹. دورانت، ویل (۱۳۸۸)، *لذات فلسفه*، عباس زریاب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۰. رجبی، عباس (۱۳۸۶)، «سن ازدواج؛ عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن»، *مجله معرفت*، ش ۱۱۲.

۲۱. رضایی، سهیل <http://www.imna.ir/news/27785>.

۲۲. رفعتیان، عبدالحسین (۱۳۸۵)، *مسئولیت پذیری*، تهران: قطره.

۲۳. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده*، تهران: سروش.

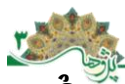
۲۴. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۰).

۲۵. سیاست‌های کلی خانواده
www.leader.ir/fa/content/16173

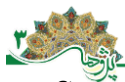
۲۶. شهروزی، لاله (۱۳۸۶)، «بررسی پیامد اجتماعی افزایش سن ازدواج دختران»، *دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران*.

۲۷. شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۸. صائی، سید رضا (۱۳۹۰)، «تاخیر در ازدواج مد یا امتیاز اجتماعی؟»، قابل دسترسی در: www.aftabir.com.



۲۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۷)، *تفسیر المیزان*، ج ۱۶، مجمد باقر موسوی همدانی، قم: بنیاد فرهنگی رجا.
۳۰. عمید، حسن (۱۳۸۲)، *فرهنگ عمید*، ج ۱، تهران: امیر کبیر.
۳۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد محمود (۱۳۶۶)، *روضه الواعظین*، ترجمه مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
۳۲. فرانزوی، استفن ال (۱۳۸۱)، *روانشناسی اجتهاد*، مهرداد فیروزبخت؛ منصور قنادان، تهران: رسا
۳۳. فرهنگد بیگی، سمیرا (۱۳۸۷)، «بررسی رفتارهای فردگرایانه و جمع گرایانه به تفکیک جنس در تاخیر در ازدواج»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۳۴. فرگوسن، سوزان (۲۰۰۰) *به چالش کشیدن ازدواج سنتی*، جنسیت و جامعه.
۳۵. قرائی مقدم، امان الله، «تجرد گرایی، خطری که جامعه را تهدید می کند»، قابل دسترسی در:
- <http://www.yjc.ir/fa/news/5945021>
۳۶. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱) *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸)، «سنگش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای این نوع از ازدواج ها با تأکید بر ازدواج های دانشجویی»، فصلنامه علمی-ترویجی *دانشگاه اسلامی*، سال سیزدهم.
۳۸. کرمی، محمدتقی (۱۳۹۴) سایت پارس نیوز، قابل دسترسی در:
- <http://www.parsnews.com/fa/tiny/new279838>



۳۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، *پیامدهای مدرنیته*، محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

۴۰. محمد پور، علی (۱۳۹۲)، «عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان»، *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، مقاله ۳، دوره ۶، شماره ۲۰. مطالعات جامعه‌شناسی، قابل دسترسی در:

www.iau-journals.ir/article_521120.htm 39-53

۴۱. مرتضوی، ضیاء، «مسئولیت در برابر ازدواج جوانان»، قابل دسترسی در:

<http://rasekhoon.net/forum/thread/652599/page8>
5

۴۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۸)، «تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تاکید بر عوامل فرهنگی»، قابل دسترسی در:

<https://www.mashregnews.ir>

۴۳. مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی، وسواس در انتخاب همسر، قابل دسترسی در:

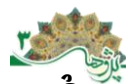
www.pasokhgoo.ir/node/23833 ۲۳۸۳۳

۴۴. معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ معین*، تهران: معین.

۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: صدرا.

۴۶. ----- (۱۳۶۹)، *نظام حقوق زن در اسلام*، -----.

۴۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.



۴۸. میشل، اندره (۱۳۵۴)، *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*، فرانگیس اردلان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
۴۹. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵) *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۵۰. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۵۱. همسان گزینی تبیان: <https://hamsan.tebyan.net>.
۵۲. هیول، مک دونالد (۱۳۸۸)، *بررسی علل افزایش سن ازدواج*، ویژه نامه علمی استانداری مازندران.
۵۳. یاندیس، هری ستری (۱۳۷۸)، *فرهنگ و رفتار اجتماعی*، نصرت فتی، تهران: رسانش.

